

توازن آرامش و توسعه

یکی از زمینه‌های سنت‌پژوهی، بررسی چگونگی تداوم و سیر آن در دوران معاصر است. به‌ویژه در عصر حاضر که سنت به ظاهر از زیست‌بوم اجتماعی و سیاسی انسان مدرن حذف شده، این شیوه و نگاه برای آن دسته از مردمانی که اشتیاق بازگشت به سنت را به موازات مدرنیته دارند، می‌تواند کارگشا باشد.



یکی از زمینه‌های سنت‌پژوهی، بررسی چگونگی تداوم و سیر آن در دوران معاصر است. به‌ویژه در عصر حاضر که سنت به ظاهر از زیست‌بوم اجتماعی و سیاسی انسان مدرن حذف شده، این شیوه و نگاه برای آن دسته از مردمانی که اشتیاق بازگشت به سنت را به موازات مدرنیته دارند، می‌تواند کارگشا باشد.

از این حیث، انقلاب اسلامی، انقلابی بود که در جهان مدرن رخ داد اما سودای آن احیای سنت و ارزش‌های اسلامی و به تعبیر مرحوم شریعتی بازگشت به خویش‌نشدن بود. امام خمینی(ره) که خود از متن سنت برخاسته بود، با آگاهی از مقتضیات عصر نوین، رهبر چنین انقلابی شد و جمهوری اسلامی را بنیان نهاد. این امر خود می‌توانست دستمایه اندیشه‌ورزی متفکران سیاسی قرار گیرد اما کوشش‌های اندکی در پی تحلیل و بررسی بنیان‌های انقلاب اسلامی در نسبت با سنت فلسفه اسلامی، به‌ویژه از نوع صدارایی آن برآمدند.

حکمت متعالیه که امام(ره) در آن پرورش یافته بودند، نقطه تعادل عقل، وحی و عرف است. به عبارت دیگر، حکمت صدارایی شناخت مبدأ و معاد و چگونگی انتقال از وضعیت موجود به مطلوب است و سیر میان این دو را سیاست تعیین می‌کند. امام خمینی(ره) این اندیشه صدارایی را گسترش و خوانش جدیدی دادند و با تأکید بر عنصر سیاست از طریق حکمت به تعبیر دکتر علیرضا صدرا، حکمت متعالی سیاسی را در تکامل مکتب صدارایی بنیان نهادند. در همین زمینه اخیراً کتاب حکمت متعالی سیاسی گامی است نسبتاً تازه در این حوزه که توسط دکتر علیرضا صدرا نگاشته شده است.

چندی پیش به انگیزه چاپ این کتاب نشستی با حضور نویسنده کتاب و دکتر شریف لک‌زایی به‌عنوان منتقد برگزار شد که چکیده‌ای از آنچه در این نشست مطرح شده را در پی می‌خوانیم.

دکتر علیرضا صدرا در نشست رونمایی کتاب حکمت متعالی سیاسی اظهار داشت: حکمت به معنای فرزاندگی و فرهیختگی، دانایی و خردمندی و نیز حقیقت‌شناخت و شناخت حقیقت است و تعالی به معنای عالی، اعلا و برترین است. تعالی را نیز تعالی‌طلبی و تعالی‌بخشی تعریف کرده‌اند.

بنا به تعبیری از جمله تعبیر فارابی، حکمت در شرق زاده شده و در ایران قدیم با نام حکمت جاویدان تبیین و تئوریزه شده است. به تأکید هانری کربن نیز حکمت جاویدان معروف به حکمت شرقی و ایرانی است. اخیراً سنت‌گران معاصر به‌دنبال احیای حکمت جاویدان هستند و حکمت متعالی که به نوعی تداوم و تعالی بخش آن جریان است، بارها توسط ملاصدرا تحت عنوان حکمت ایرانیان، فارسیان، خسروانی و... تصریح و تأکید شده است. گذشتگان بر این عقیده بودند که حکمت جاویدان، مثلی نیم‌ساز، برآیند و برآمد 3جریان عقلانیت، دیانت و سیاست است. به عبارتی دیگر دارای 3ضلع عقل، وحی، حس و عرف است؛ یکی در جهت ایجاد تعادل عقلانیت، ضلع دیگر به‌دنبال تعالی جامعه و ضلع آخر یعنی همان تدبیر و سیاست به‌دنبال ایجاد نظم و توسعه است. در اصل حکمت جاویدان را آمیزه‌ای از 3جریان می‌دانند. طرح مباحث جدید در فلسفه سیاسی به منظور توانمندسازی فلسفه سیاسی اسلامی و تأسیس حکمت سیاسی متعالی متناسب با شرایط زمانه مهم‌ترین ایده و بحثی است که آن را در این نشست دنبال می‌کنیم. موضوع و عنوان حکمت متعالی سیاسی از 3مولفه حکمت، متعالی و سیاسی یا سیاست تشکیل شده است. در کتاب مفهوم‌شناسی حکمت متعالی سیاسی ابتدا پایه مفاهیم را طرح کردیم و در فصل دیگر ضروریات و شبهات را و بعد وارد متن اصلی شدیم.

در کتاب دیگری، مفاهیم عمومی در اندیشه ملاصدرا و نسبت آنها با سیاست بررسی می‌شوند. در اندیشه صدرا مفاهیمی وجود دارند که شاید به ظاهر ارتباطی با سیاست نداشته باشند، اما می‌توان بین آنها رابطه‌ای ایجاد کرد. به‌عنوان مثال، اگر از دریچه 2مفهوم اعتبارات ماهیت و اصالت وجود، به پدیده‌های سیاسی نگاه کنیم، بسیاری از مشکلات جهان معاصر در حوزه سیاست را حل کرده‌ایم. این دو مفهوم، وحدت در عین کثرت را توجیه می‌کند و بر این اساس، تفاوت دموکراسی‌ها در کشورهای مختلف توجیه می‌شود. در این کتاب به‌دنبال آن بودیم که دریابیم اساساً حکمت از نظر ملاصدرا چیست؟ سیاست چه تعریفی دارد و تعالی را چگونه معنا کرده است که برآیند این پاسخ‌ها حکمت متعالی سیاسی را تشکیل می‌دهد. ملاصدرا به‌طور اجمالی حکمت را به معنای سیاست و سیاست را به معنای هدایت و تعالی را به معنای توسعه و نظم معنا کرده است. او معتقد است که تدبیر و نظم در تفکر صدارایی لازم است اما کافی نیست و اگر توسعه همراه تعالی باشد، مفید است. مکتب بودیسم و هندویسم بر این عقیده‌اند که توسعه نه لازم است و نه کافی بلکه باید با ترک توسعه به تعالی رسید. در کنار آن تفکر مدرنیسم می‌گوید توسعه هم لازم است و هم کافی و انسان نیازمند آرامش

است اما ملاصدرا می‌گوید که آسایش لازم است اما کافی نیست. آرامش با تعالی صورت می‌گیرد و نه با توسعه و بین توسعه و آرامش باید تعادل و توازن برقرار شود. سعادت انسان در دنیا شامل آسایش مادی و آرامش معنوی است و اگر غیر از این باشد با اضطراب و اضطراب مواجه می‌شود و برای اینکه دچار حزن و خوف نشود باید بین آنها تعادل برقرار کرد.

نظریه جدید تمدن‌سازی اسلامی- ایرانی بعدها در یونان، حکمت راستین تداوم‌بخش حکمت جاویدان شرقی و ایرانی می‌شود. با گذشت زمان این جریان در دوره اسلامی توسط فارابی تحت عنوان حکمت مدینه فاضله که علوم اجتماعی و سیاسی را در بر دارد، بازتولید می‌شود. در واقع علم سیاست یا مدنی، علوم دیگر را در اداره مملکت کاربردی می‌کند. در ایران 2 جریان از این حکمت انشعاب پیدا می‌کند؛ جریان حکمت مشاء سینوی و دیگری جریان اشراق سهروردی. به مرور زمان ملاصدرا با جمع و ترکیب آموزه‌های این جریانات با اخلاق نظری و عملی، کلام و عرفان، حکمت متعالی را تولید و تأسیس می‌کند. در این ساختار حکمت متعالی نقطه تعادل و تعالی حکمت محسوب می‌شود.

حکمت جاویدان تا حکمت متعالی سیر تکاملی مانند دین داشته است. ملاصدرا حکمت‌های پیشین را متعارف می‌دانست اما حکمت جدید را متعالی نامگذاری کرد. او اسفار چهارگانه را وارد تنظیم حکمت می‌کند. در واقع نگاه مبدأ و معادی دارد؛ حکمت، شناخت مبدأ و معاد و چگونگی انتقال از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است و سیر میان این دو را سیاست تنظیم می‌کند که نقش هدایتی دارد. ملاصدرا یکی از تعاریف مهم حکمت را سیاست می‌دانست. نگاه متعالی به سیاست و نگاه سیاسی به حکمت با نگاه حداقلی، اگر نگوییم حکمت متعالی- به تعبیر علامه جوادی آملی- تمامش سیاست متعالی است. می‌توان گفت حکمت متعالی معطوف به سیاست است؛ یعنی همانطور که در طبقه‌بندی علوم، فارابی علم مدنی را برآمد و معمار علوم می‌داند، ملاصدرا فلسفه کلی حکمت را از مبدأ تا معاد وارد بحث سیاست می‌کند تا جامعه را به توسعه، تعادل و تعالی برساند. در واقع حکمت متعالی متولی تبیین نظری و ترسیم عملیاتی است. در تداوم حکمت صدرایی، ملاصدرا مسیری را مطرح کرد اما کمتر وارد بحث عملی و تفسیر آن شد. این جریان ادامه پیدا می‌کند تا اینکه حضرت امام خمینی(ره) ابعاد عملی حکمت متعالی را تفصیل، تبیین و آن را در قالب نظریه حکومت اسلامی تحقق حکمت یا حاکمیت و حکومت بر اساس حکمت متعالی عملیاتی می‌کنند.

ملاصدرا حکیمی است که از پایه‌های حکمت به سیاست نگاه می‌کند اما حضرت امام که خود سیاستمدار و سیاست‌نگر است به کاربرد حکمت در سیاست می‌اندیشد. سیاست امام راحل منعطف از حکمت متعالی است و حکمت متعالی صدرا معطوف به سیاست است. بنابراین، این حکمت از نگاه ملاصدرا حکمت متعالی سیاسی و از دیدگاه امام(ره) حکمت سیاسی متعالی است؛ درست مانند نگاه افلاطون و فارابی به سیاست. امام راحل با توجه به مبنا و تداوم حکمت متعالی که نقطه تداوم، تعادل و تعالی کل جریانات حکمی است، تفصیل عملیاتی به حکمت صدرایی می‌بخشد و آن را وارد زندگی روزمره می‌کنند.

به بیانی دیگر، حکمت سیاسی متعالی امام(ره) نظریه جدید تمدن‌سازی اسلامی ایرانی را تبیین کرده و برای طراحی دکترین عملی و ترسیم برنامه‌ریزی سیاست‌های راهبردی و نیز ساختار اجرایی نظام و تمدن جهان اسلامی را ارائه می‌دهد. دکتر شریف لک‌زایی نیز در این نشست یادآور شد: به نظر می‌آید در طول 100 سال اخیر در بحث علوم انسانی با دشواری‌ها و مشکلاتی مواجه بوده و هستیم و می‌توان گفت کاستی‌های این حوزه به حوزه علوم سیاسی نیز سرایت کرده است. با گذشت 100 سال از تأسیس رشته علوم سیاسی در ایران، همچنان فاقد تولید نظریه‌ای در باب علوم سیاسی هستیم. با پیروزی انقلاب اسلامی فضای جدیدی برای رشد علوم وحیانی، اسلامی و بومی به وجود آمد. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، انقلاب اسلامی تنها تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد نکرد بلکه مهم‌تر از آن آزادسازی علوم بود؛ علوم که جامعه و سنت فکری‌مان با آنها عجین شده و باید مشکلات را از راه دستیابی، تولید و تأسیس این دانش‌ها رفع کرد. اگرچه با پشتیبانی نیروی انسانی که با متون، سنت اصیل فکری و نیز علم سیاسی آشنا بودند، در این حوزه اقداماتی صورت گرفته اما آنچنان که باید منسجم، متمرکز و هدفمند نبوده است.

هدف این طرح شناسایی ظرفیت‌های فلسفه متعالی برای ورود به حوزه حیات اجتماعی و سیاسی است تا به نوعی به توانمندسازی فلسفه سیاسی اسلامی کمک کند. با گذشت قرن‌ها همواره از حکمت متعالی به عنوان یک فلسفه محض یاد شده است و زمانی هم که این بحث مطرح می‌شود که آیا ملاصدرا اندیشه سیاسی داشته یا خیر با امتناع‌هایی مواجه می‌شویم. در فضای جدید باید رجوع مستقیم و مستقلاً به آثار و سنت‌هایمان داشته باشیم و به دنبال ایجاد ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر در حوزه سیاسی باشیم. علاوه بر آن، توجه به رویکردهای بومی در جامعه از ضروریات است و با توجه به افزایش این رویکردها در حوزه علوم انسانی برای بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم انسانی در کشور باید تلاشی شایسته کنیم و می‌توان گفت اثر دکتر صدرا کاری بنیادی محسوب می‌شود که توانسته در این فضا به ویژه در بحث مفاهیم نگاهی جدید را ایجاد کند.

باید توجه داشته باشیم هنگامی که در حوزه علوم انسانی صحبت می‌کنیم، باید مبتنی بر فلسفه‌ای باشد که بتواند آن را پشتیبانی کند تا مباحث را به صورت منسجم و هماهنگ پیش ببرد. به منظور ترسیم هویت دینی و ملی و نیز داشتن نگاه روش‌مند و نقادانه، توجه به سنت فکری مسئله‌ای جدی است. ما نمی‌گوییم آموخته‌های دیگر را کنار می‌گذاریم و از آنها استفاده نمی‌کنیم، بلکه بین آموزه‌های تولید شده و آموخته‌ها، بحث تعامل را پیش خواهیم کشید. توجه به حکمت متعالی برای تبیین، ترسیم و استحکام بخشی به هویت

ملی و دینی‌مان بسیار مؤثر است. کتاب «مفهوم‌شناسی حکمت متعالی سیاسی» در راستای تحقق علوم سیاسی مبتنی بر مبانی اسلامی و ایرانی تالیف شده و شاید بتوان گفت این کتاب گامی در راستای تبیین فلسفه سیاسی است که از ضروریات جامعه محسوب می‌شود. به‌طور کلی کتاب ارزشمند حکمت متعالی سیاسی، پژوهشی در بازشناسی، بازنگری و بازسازی سنت‌های فکری‌مان است و مضاف بر آن نظریه‌سازی و تأسیس رشته و دانش فلسفه سیاسی متعالی را نیز به‌دنبال دارد.